فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه‌وچهارم، تابستان ۱۴۰۳
مقاله مروری، صفحات ۱۶۳-۱۸۳

گروس: تحلیل نقش یک کریدور تاریخی در پیوند اقتصادی و فرهنگی شمال‌غرب و غرب ایران

محمدجعفر اشکواری[۱]
کیمیا عباسیان هریس[۲]

چکیده

منطقه گروس به‌عنوان یکی از کانون‌های کمترشناخته‌شده غرب ایران، در پیوند جریان‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی فلات مرکزی، آذربایجان و بین‌النهرین نقش محوری ایفا کرده است. این پژوهش با هدف تبیین جایگاه راهبردی گروس در شبکه‌های تجاری و تحلیل کارکردهای چندگانه اقتصادی، نظامی و فرهنگی آن، با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و اسناد تاریخی سامان یافته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت طبیعی گروس، شامل دشت‌های حاصلخیز، ارتفاعات و منابع آبی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری مسیرهای کاروانی و مراکز بازرگانی بوده‌است. این منطقه نه‌تنها به‌عنوان گذرگاه کالاهایی چون ابریشم، ادویه و فرآورده‌های دامی عمل می‌کرد، بلکه به دلیل استقرار در مسیرهای تجاری، کانون تبادلات فرهنگی و تعاملات قومی بود. همچنین، قلعه‌ها و استحکامات طبیعی گروس، امکان نظارت بر شریان‌های ارتباطی را فراهم می‌ساخت. این پژوهش در نهایت گروس را به‌عنوان یک «گره‌گاه ارتباطی» در تاریخ ایران معرفی می‌کند که کارکردهای فراتر از یک مسیر تجاری صرف داشته است.

کلیدواژه‌ها: بیجار، جغرافیای تاریخی، راه‌های تجاری، کریدور ارتباطی، گروس، مبادلات اقتصادی.

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. ashkevari@znu.ac.ir
Orcid: 0000-0003-4957-2280
۲. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).
kimiya3517@gmail.com
Orcid: 0009-0007-6466-3929

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۲۵

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

Garrus: An Analysis of the Role of a Historical Corridor in the Economic and Cultural Link between Northwestern and Western Iran

Mohammad Jafar Ashkevari[1]
Kimia Abbasian Haris[2]

Abstract

The region of Garrus, one of the lesser-known areas of western Iran, has played a pivotal role in connecting the economic, cultural, and military networks of the Iranian Plateau, Azerbaijan, and Mesopotamia. This study aims to elucidate the strategic position of Garrus within commercial networks and to analyze its multifaceted economic, military, and cultural functions. Employing a descriptive–analytical method based on library sources and historical documents, the research highlights the region's natural features—including fertile plains, highlands, and abundant water resources—as key factors in the development of caravan routes and trading centers. Garrus functioned not only as a transit point for goods such as silk, spices, and livestock products but also as a hub of cultural exchange and interethnic interaction due to its location along major trade routes. Furthermore, its fortresses and natural strongholds provided control over vital communication arteries. Ultimately, the study identifies Garrus as a "connective hub" in Iranian history—one whose significance extended far beyond that of a mere trade route.

Keywords: Bijar, historical geography, trade routes, communication corridor, Garrus, economic exchange.

1. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, University of Zanjan, Zanjan, Iran. ashkevari@znu.ac.ir
2. M.A. in History and Civilization of Islamic Nations, University of Zanjan, Zanjan, Iran (Corresponding Author). kimiya3517@gmail.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

درآمد

مطالعه جغرافیای تاریخی مناطق کمتر شناخته‌شده، امکان واکاوی لایه‌های پنهان تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران را فراهم می‌آورد. گروس، واقع در غرب ایران و در محل تلاقی سه حوزه فرهنگی–جغرافیایی کردستان، آذربایجان و همدان، از دیرباز نقش تعیین‌کننده‌ای در پیوند میان فلات مرکزی، آذربایجان و نواحی غربی کشور ایفا کرده است (مستوفی، ۱۳۵۰: ۲۳۸). موقعیت ممتاز جغرافیایی این منطقه، به‌ویژه دشت‌ها و ارتفاعات بیجار، زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌های کاروانی و تجاری منسجم شد و آن را به گذرگاهی حیاتی برای انتقال کالا، تبادل فرهنگی و کنترل تردد نظامی بدل ساخت.

شواهد متون تاریخی حاکی از آن است که گروس، علاوه‌بر نقش واسطه‌گری در مبادله کالاهای مهمی چون ادویه، ابریشم، فرآورده‌های کشاورزی و صنایع دستی نظیر قالی بیجار، از منظر راهبردی نیز اهمیت بالایی داشته است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۹۷). چنان‌که تسلط بر این گذرگاه، به منزله نظارت بر شبکه راه‌های غرب و مرکز ایران محسوب می‌شد. این امر، گروس را بارها به عرصه نبردهای منطقه‌ای تبدیل کرد و آثار تاریخی و استحکامات به جامانده، گواهی بر اهمیت راهبردی آن است.

این پژوهش با رویکردی تحلیلی–توصیفی و با استفاده از منابع دست اول تاریخی و جغرافیایی سامان یافته است. داده‌ها از طریق شناسایی منابع معتبر، استخراج اطلاعات مربوط به راه‌ها، بازارها و ویژگی‌های طبیعی و انسانی، و تحلیل آنها در چارچوب جغرافیای تاریخی گردآوری شده‌اند. نوآوری این پژوهش در آن است که با رویکردی یکپارچه، ابعاد اقتصادی، نظامی و فرهنگی گروس را هم‌زمان بررسی می‌کند. در حالی‌که اغلب پژوهش‌های پیشین تنها به یکی از این جنبه‌ها بسنده کرده‌اند، این مقاله گروس را به‌عنوان یک «کریدور ارتباطی چندوجهی» معرفی می‌کند که کارکردهای متنوع آن در پیوندهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش‌آفرین بوده‌است.

پیشینه پژوهش

مطالعات صورت‌گرفته درباره منطقه گروس در پژوهش‌های معاصر، عمدتاً با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

رویکرد جغرافیای تاریخی انجام شده‌است. فرخ‌سرشت (۱۳۹۸ش) در کتاب *جغرافیای تاریخی گروس* با بهره‌گیری از داده‌های تاریخی و جغرافیایی، به بررسی جامع ویژگی‌های طبیعی و موقعیت راهبردی این منطقه پرداخته و جایگاه گروس را در شبکه‌های ارتباطی و نظامی ایران تبیین کرده است. هادی‌زاده (۱۳۹۰ش) در پژوهش خود با عنوان *جغرافیای تاریخی کردستان*، به تحلیل موقعیت گروس به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم اقتصادی و فرهنگی غرب ایران پرداخته و نقش آن را در مبادلات منطقه‌ای مورد بررسی قرار داده است. سلطانی (۱۳۷۹ش الف) در *تاریخ کردستان*، با نگاهی تاریخی به تحولات منطقه گروس، نقش این ناحیه را در دوره‌های مختلف تاریخی تحلیل کرده است. در همین زمینه، مریوانی (۱۳۹۰ش) در کتاب *گروس در گذرگاه تاریخ* با معرفی موقعیت جغرافیایی شهرستان بیجار گروس و ایلات و عشایر آن، تصویری تاریخی از اوضاع این ناحیه ارائه کرده است. فریدی مجید (۱٤۰۲ش) نیز در مقاله «برآمدن و برافتادن گروس در ساختار تقسیمات کشوری ایران» به تحلیل تحولات اداری و سیاسی این منطقه پرداخته است. با وجود این تلاش‌ها، آنچه در اغلب این پژوهش‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته، تحلیل جامع جایگاه راه‌های گروس در پیوند با تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی با رویکردی یکپارچه است. بیشتر این آثار به معرفی کلی موقعیت جغرافیایی یا توصیف ویژگی‌های محلی پرداخته‌اند، در حالی‌که بررسی دقیق نقش راه‌ها و گذرگاه‌های این منطقه در ساختار ارتباطی ایران، نیازمند پژوهشی مستقل و تحلیلی است.

جغرافیای طبیعی گروس

۱. موقعیت جغرافیایی و راهبردی

منطقه گروس به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و ویژگی‌های طبیعی منحصربه‌فرد، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات تاریخی غرب ایران ایفا کرده است. این منطقه که در حدفاصل رشته‌کوه‌های زاگرس مرکزی و نواحی دشتی واقع شده، به‌عنوان پلی طبیعی میان فلات مرکزی ایران و مناطق غربی عمل می‌کرده است (مستوفی، ۱۳۵۰، ص. ۲٤۰). موقعیت ممتاز جغرافیایی گروس در تقاطع مسیرهای ارتباطی اصلی، این منطقه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

را به کانون مبادلات تجاری و فرهنگی تبدیل کرده بود.

حمدالله مستوفی (ص. ٢٤٠) بـه موقعیـت راهبـردی گـروس اشـاره دارد و آن را از نواحی مهم میان‌راهی معرفی می‌کند کـه کاروان‌هـای متعـدد از آن عبـور می‌کننـد. ابـن خردادبه (١٨٨٩، ص. ٨٥) نیز با ذکر دقیق مسیرهای تجـاری، بـر اهمیـت گـذرگاه‌های گروس در ارتباط میان مرکز و غرب ایران تأکید می‌ورزد.

٢. ارتفاعات منطقه

رشـته‌کوه‌های گـروس بـه‌ویژه ارتفاعـات بیجـار، نقـاره‌کوت، نسـار و زاغـه، نقـش دوگانه‌ای در توسعه منطقه ایفا می‌کردند. از یک سـو، ایـن ارتفاعـات بـه‌عنـوان موانـع طبیعی، امکان دفاع از منطقه را فراهم می‌ساختند و از سوی دیگر، دامنه‌های آنها محیطی مناسب برای فعالیت‌های دامداری و کشاورزی ایجاد می‌کرد (فرخ‌سرشت، ١٣٩٨، ص. ٣٤). وجود گذرگاه‌های کوهستانی متعدد، امکان کنترل و نظارت بر مسیرهای تجاری را برای ساکنان منطقه فـراهم می‌سـاخت. مقدسـی (١٣٧٣، ص. ٣٩٥) بـه وجـود دژهـا و استحکامات طبیعی در نواحی کوهستانی غرب ایران اشاره می‌کند که نمونه‌های بـارز آن در گروس قابل مشاهده اسـت. مسـتوفی (١٣٥٠، ص. ٢٤٠) نیـز گـروس را از نـواحی صعب‌العبور دانسته که نقش راهبردی در نظام دفاعی حکومت‌های محلی و مرکزی ایفـا می‌کرده است.

٣. دشت‌های حاصلخیز و قابلیت‌های کشاورزی

دشـت‌های میـان‌کوهی گـروس، بـه‌ویژه دشـت‌های قـروه و دهگـلان، از مهم‌تـرین کانون‌های تولید کشاورزی در غرب ایـران محسـوب می‌شـدند. حاصـلخیزی خـاک و دسترسی به منابع آبی کافی، امکان کشت گسترده غلات و حبوبات را در ایـن دشـت‌ها فراهم می‌ساخت (ابن‌حوقل، ١٣٦٦، ص. ١٥٠).

این دشت‌ها نه‌تنها نیازهای محلی را برآورده می‌کردند، بلکه به‌عنوان پشتوانه‌ای برای مسیرهای کاروانی عمل می‌کردند. بلاذری (١٣٨٥، ص. ٢٣٥) بـا ذکـر راه‌هـای تجـاری منطقه، بر اهمیـت محصـولات کشـاورزی و دامـداری گـروس در تغذیـه کاروان‌هـا و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

سپاهیان تأکید کرده است. از همین‌رو، تولیدات دامی و کشاورزی منطقه، به‌ویژه غلات و فرآورده‌های لبنی، بخش مهمی از مبادلات اقتصادی از طریق مسیرهای گروس را تشکیل می‌داد.

۴. منابع آبی

شبکه گسترده رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای طبیعی، بستر مناسبی برای توسعه کشاورزی و استقرار سکونتگاه‌های پایدار در منطقه فراهم کرده بود. رودخانه قزل‌اوزن به‌عنوان اصلی‌ترین شریان آبی منطقه، نقش حیاتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی گروس ایفا می‌کرد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج. ٤، ص. ۲۵۹). این منابع آبی نه‌تنها ارزش اقتصادی داشتند، بلکه از منظر راهبردی نیز اهمیت می‌یافتند؛ چرا که دسترسی به آب کافی موجب استقرار کاروانسراها و بازارهای محلی در حاشیه راه‌ها می‌شد (مقدسی، ۱۳۷۳، ص. ۳۹۵). پژوهش‌های جدید نیز نشان داده‌اند که وجود رودخانه قزل‌اوزن و چشمه‌های دائمی گروس یکی از عوامل اصلی انتخاب این منطقه به‌عنوان گذرگاه کاروانی و محور ارتباطی غرب ایران بوده‌است (فرخ‌سرشت، ۱۳۹۸، ص. ٣٤).

۵. ویژگی‌های اقلیمی

اقلیم سرد و کوهستانی گروس تأثیر مستقیمی بر الگوهای معیشتی و شبکه‌های ارتباطی منطقه داشته است. زمستان‌های طولانی و پربرف، مسیرهای کوهستانی را برای مدت‌های طولانی غیرقابل عبور می‌ساخت و این امر بر زمان‌بندی حرکت کاروان‌ها و برنامه‌ریزی تجاری تأثیر مستقیم می‌گذاشت (کرمانی، ١٣٦٤، ص. ٦٧). این ویژگی‌های آب‌وهوایی به‌طور مستقیم بر تولیدات کشاورزی و معیشت جوامع محلی اثر گذاشته است. محصولاتی چون گندم، جو و میوه‌های سردسیری، متناسب با اقلیم منطقه کشت می‌شد و تأمین‌کننده نیازهای ساکنان و کاروانیان بود (فرخ‌سرشت، ۱۳۹۸، ص. ٣٤). همچنین، چرخه دامداری فصلی ـ به‌ویژه پرورش گوسفند و بز ـ با شرایط سرد و کوهستانی سازگار بوده و بخشی از اقتصاد محلی را تشکیل می‌داد. این ویژگی‌های طبیعی در مجموع، گروس را به منطقه‌ای راهبردی تبدیل کرده بود که هم از نظر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

اقتصادی و هم از جنبه نظامی، جایگاهی ویژه در جغرافیای تاریخی ایران پیدا کرده بود.

جایگاه تاریخی و جغرافیای انسانی گروس

۱. تحولات تاریخی از دوره باستان تا صفوی

منطقه گروس دارای پیشینه تاریخی کهنی است که به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد. اگرچه شواهد باستان‌شناسی کامل نیست، اما موقعیت راهبردی این منطقه نشان می‌دهد که احتمالاً در دوران باستان نیز به‌عنوان گذرگاهی مهم مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در دوره ساسانی، گروس به دلیل قرارگیری در مسیر ارتباطی بین مرکز و غرب ایران، از اهمیت راهبردی برخوردار بود.

با ظهور اسلام، گروس به تدریج در منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی ظاهر شد. ابن خردادبه (۱۸۸۹، ص. ۱۰۸) در *المسالک و الممالک* (تألیف در قرن سوم هجری) از گروس به‌عنوان یکی از منازل مهم میان‌راهی یاد می‌کند که کاروان‌ها و مسافران را از فلات مرکزی ایران به سوی آذربایجان و بین‌النهرین هدایت می‌کرد. در دوره سلجوقی، گروس، منطقه‌ای مهم در غرب ایران شناخته می‌شد. کرمانی (۱۳٦٤، ص. ۷٤) به نقش ارتفاعات گروس در مبارزات محلی این دوره اشاره دارد و از آن به‌عنوان پناهگاه طبیعی نیروهای مختلف نام می‌برد. دوره صفوی نقطه عطفی در تاریخ گروس محسوب می‌شود. در این دوره، گروس یکی از پایگاه‌های مهم قزلباشان شناخته می‌شد. اسکندر بیگ منشی (۱۳۷۷، ج. ۲، ص. ٤۱۰) از گروسیان به‌عنوان بخشی از قزلباشان یاد می‌کند که در کنار سایر طوایف ترک و کرد، نقش مهمی در تثبیت دولت صفوی داشتند.

۲. دوره افشاریه و زندیه

در دوره افشاریه، گروس همچنان یکی از مراکز مهم نظامی و ایلی به‌شمار می‌رفت. مردوخی (۱۳۰۲، ص. ۳۰۰) از حسینعلی خان گروسی، فرزند لطفعلی خان، به‌عنوان یکی از رجال نظامی عصر نادرشاه یاد می‌کند. اگرچه برخی منابع دیگر این گزارش را به‌طور کامل تأیید نکرده‌اند. در دوره زندیه، گروس شاهد تحولات سیاسی مهمی بود. اردلان (۱۳٤۰، ص. ۲۳) گزارش می‌دهد که کریم‌خان زند پس از ناآرامی‌های منطقه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

شمال غرب، به گروس و سنندج حمله کرد و دختر محمد امین خان حاکم گروس را به همسری گرفت. این وصلت موجب نزدیکی سیاسی و تقویت جایگاه امین‌خان شد.

۳. دوره قاجار: اوج اهمیت سیاسی و نظامی

دوران قاجار نقطه عطفی در تثبیت جایگاه تاریخی گروس به‌شمار می‌آید. در این دوره، گروس ابتدا بخشی از ایالت همدان محسوب می‌شد، اما بعدها در تقسیمات جدید به آذربایجان و خمسه ملحق گردید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۱٤، ص. ۲٤). منابع تاریخی مختلف به نقش مهم گروس در جنگ‌های ایران و روس اشاره دارند. جهانگیر میرزا (۱۳٦۳، ص. ۲۲) از گروس به‌عنوان یکی از مسیرهای حرکت نیروها و محل استقرار نایب‌السلطنه یاد می‌کند. در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری، نام امیرنظام گروسی با این منطقه گره خورد. حسنعلی‌خان امیرنظام که از رجال برجسته قاجاریه بود، همزمان حکمرانی گروس و کرمانشاه را برعهده داشت و نقش مهمی در مدیریت امور محلی ایفا کرد (افضل الملک، ۱۲۹۲، ص. ۲۰۰). منابعی چون *مرآت‌الوقایع مظفری* نیز به واگذاری حکومت گروس به عسگرخان سرتیپ توسط امیرنظام اشاره کرده‌اند (سپهر، ۱۳۷۷، ص. ۲٤۰).

۴. ساختار اجتماعی و قومی

جامعه گروس از تنوع قومی و فرهنگی قابل توجهی برخوردار بود. ساختار اجتماعی این منطقه مبتنی‌بر نظام قبیلگی و ایلی بود. سرافرازی (۲۰۱۹، ص. ۱۳۲) در پژوهش خود نشان می‌دهد که جامعه گروس متشکل از قبایل کرد با گویش‌های محلی (سورانی و گورانی) و گروه‌هایی از ترک‌زبانان بود. این تنوع قومی، ساختار اجتماعی پیچیده‌ای ایجاد کرده بود که در آن هر قبیله با نظام خاص مالکیت زمین و تقسیم کار اداره می‌شد. یوسفی (۱۳۹۵، ص. ٤۵) به بررسی دقیق این ساختارهای اجتماعی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه این تنوع قومی به غنای فرهنگی منطقه کمک کرده است.

۵. نظام اقتصادی و معیشتی

اقتصاد گروس بر سه پایه اصلی استوار بود: الف) کشاورزی: دشت‌های حاصلخیز

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

قروه و دهگلان امکان کشت گسترده غلات را فراهم می‌ساخت. ابن‌حوقل (۱۳٦٦، ص. ۱۵۰) به حاصلخیزی زمین‌های غرب ایران و نقش آنها در تأمین غلات برای دیگر نواحی اشاره می‌کند؛ ب) دامداری: ارتفاعات منطقه زمینه مناسبی برای پرورش دام بود. کرمانی (۱۳٦٤، ص. ۸۲) به نقش مراتع غنی گروس در توسعه دامداری اشاره دارد؛ ج) صنایع دستی: قالی بیجار شهرت فرامنطقه‌ای داشت. فرخ‌سرشت (۱۳۹۸، ص. ۳٤) نشان می‌دهد که تولید صنایع دستی، به‌ویژه قالی‌بافی، نه‌تنها نیازهای محلی را برآورده می‌کرد، بلکه به‌عنوان کالای تجاری در شبکه مبادلات منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌نمود.

۶. تحولات اداری و تقسیمات کشوری

مطابق با پژوهش فریدی مجید (۱٤۰۲، ص. ۱۲۵)، گروس از دوره صفوی تا اواسط دوره پهلوی، یکی از واحدهای اصلی تقسیمات کشوری غرب ایران شناخته می‌شد. این منطقه گاه تحت حاکمیت کردستان و گاه به‌صورت مستقل اداره می‌شد. بر اساس اسناد تقسیمات کشوری، گروس در قانون تقسیمات کشوری سال ۱۳۱٦ یکی از شهرستان‌های استان غرب شناخته می‌شد، اما به‌تدریج و با تغییرات اداری، این نام از تقسیمات کشوری حذف و نام بیجار جایگزین شد.

۷. نقش در انقلاب مشروطه و جنگ جهانی اول

با آغاز انقلاب مشروطه، گروس همچنان در مدار تحولات سیاسی ایران باقی ماند. اگرچه این حوزه انتخابیه حق اعزام نماینده به مجلس شورای ملی را داشت، اما به دلیل درگیری‌های داخلی، نماینده‌ای از آن انتخاب نشد (اتحادیه، ۱۳٦۲، ص. ۲۲). در جریان جنگ جهانی اول نیز منابعی چون تبریزی و سپهر از آسیب‌های واردشده به روستاهای گروس خبر می‌دهند. تبریزی (۱۳۳۱، ص. ۱۰۰) به غارت روستاهای گروس توسط نیروهای خارجی اشاره دارد. همچنین سپهر (۱۳۰۳، ص. ۲۳) از تخریب زیرساخت‌های تجاری گروس گزارش می‌دهد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

۸. ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی

منطقه گروس از نظر فرهنگی و مذهبی نیز دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود. کریمی (۱٤۰۰، ص. ٦۷) به نقش گروس به‌عنوان کانون تعاملات فرهنگی بین اقوام مختلف اشاره می‌کند. وجود مدارس دینی، مساجد و زیارتگاه‌های متعدد نشان‌دهنده عمق فرهنگی و مذهبی این منطقه است. مریوانی (۱۳۹۰، ص. ۱۲۳) به بررسی این مراکز فرهنگی و مذهبی پرداخته و نقش آنها در شکل‌گیری هویت منطقه‌ای را تحلیل کرده است. این تحولات تاریخی و ویژگی‌های انسانی، گروس را به منطقه‌ای با هویت فرهنگی و تاریخی غنی تبدیل کرده بود که در بخش‌های بعدی به تحلیل دقیق‌تر نقش آن در شبکه‌های تجاری و ارتباطی خواهیم پرداخت.

گروس کریدور ارتباطی

۱. موقعیت راهبردی در شبکه راه‌های تجاری

گروس به دلیل موقعیت جغرافیایی راهبردی خود در زاگرس غربی، یکی از شاه‌راه‌های مهم عبور کالا در غرب ایران محسوب می‌شد. ابن خردادبه (۱۸۸۹، ص. ۸۵) به صراحت اشاره می‌کند که یکی از مسیرهای اصلی انتقال کالا از بغداد و موصل به سمت ری، همدان و خراسان از گروس عبور می‌کرده است. این موقعیت ممتاز، گروس را به حلقه اتصال حیاتی بین مراکز اقتصادی مهم ایران تبدیل کرده بود. قادری (۱۳۹۰، ص. ۷۸) تأکید می‌کند که موقعیت گروس در تقاطع محورهای شمالی–جنوبی و شرقی–غربی، آن را به «چهارراه تجاری» غرب ایران مبدل ساخته بود. این ویژگی منحصر به فرد، امکان نظارت بر تردد کالا و اطلاعات بین مناطق مختلف را فراهم می‌آورد.

۲. شبکه راه‌های کاروانی اصلی

شبکه راه‌های کاروانی گروس شامل سه محور اصلی بود که هر یک کارکردهای خاص خود را داشت: الف) محور جنوبی–شمالی: این مسیر از همدان آغاز و پس از عبور از بیجار به سقز و سپس به ارومیه و تبریز متصل می‌شد. مستوفی (۱۳۵۰، ص.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

۲۱۰) به اهمیت این مسیر در انتقال کالاهای شمال به جنوب اشاره دارد. ابن حوقل (۱۳٦٦، ص. ۳۲۸) نیز از تردد کاروان‌های بزرگ در این مسیر گزارش می‌دهد. ب) محور غربی–شرقی: این شاهراه حیاتی، کاروان‌هایی از بغداد، کرمانشاه و موصل را پس از گذر از سنندج به قروه و بیجار هدایت می‌کرد و از آنجا به سمت زنجان و سلطانیه ادامه می‌یافت. یاقوت حموی (۱۹۹۵، ج. ٤، ص. ۳٤٦) به رونق این مسیر و نقش آن در اتصال بین‌النهرین به فلات مرکزی ایران اشاره دارد. ج) محورهای فرعی داخلی: این شبکه که شامل مسیرهای روستایی مانند دله، بابارشانی و یاسوکند می‌شد، نقش حیاتی در اتصال سکونتگاه‌های پراکنده به مراکز اصلی تجاری داشت. فرخ‌سرشت (۱۳۹۸، ص. ٥٤–٦۰) در پژوهش خود نشان می‌دهد که این مسیرهای فرعی، امکان بهره‌برداری از تمامی قابلیت‌های اقتصادی منطقه را فراهم می‌آوردند.

۳. کاروانسراها و ایستگاه‌های میانی

کاروانسراها به‌عنوان ستون فقرات زیرساخت‌های تجاری گروس، نقش تعیین‌کننده‌ای در رونق تجاری منطقه ایفا می‌کردند. سلطانی (۱۳۷۹ب، ص. ٤٥) شمار و اهمیت این کاروانسراها را مورد تحلیل قرار داده است. ابن فقیه (۱۸۸٥، ص. ۲۹۷) به کیفیت و امکانات این کاروانسراها اشاره دارد: «کاروانسراهای گروس از حیث وفور آب و امکانات رفاهی و امنیت، از بهترین‌ها در غرب ایران بودند و قادر به پذیرش کاروان‌های بسیار بزرگ بودند». شاردن (بی‌تا، ج. ٤، ص. ۳٦۳)، به تبدیل شدن برخی کاروانسراهای عمده در مسیرهای گروس به پاسگاه‌های نظامی اشاره کرده است که هم در مواقع عادی به حفظ نظم کمک می‌کردند. در زمان بی‌ثباتی نیز تجار و نیروهای دولتی به این استحکامات پناه می‌بردند.

۴. سیستم مدیریت و امنیت راه‌ها

مدیریت و تأمین امنیت راه‌های تجاری گروس از پیچیدگی و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. مستوفی (۱۳٥۰، ص. ۲٤۰) به سیستم نظارتی دقیق حاکمان محلی بر مسیرهای تجاری اشاره دارد. اصطخری (۱۳۹۰، ص. ۹۸–۹۹) به وجود پاسگاه‌های

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

متعدد در فواصل معین اشاره می‌کند: «در مسیرهای گروس، برج‌های دیدبانی و پاسگاه‌هایی ایجاد شده بود که مأموران مستقر در آنها، ضمن نظارت بر ترددها، امنیت کاروان‌ها را تا ایستگاه بعدی تضمین می‌کردند».

۵. کالاهای تجاری و جریان مبادلات

گروس به‌عنوان کریدور ارتباطی، شاهد انتقال انواع کالاها بود که مارکوپولو (بی‌تا، ص. ۲۵٦) به برخی از آنها اشاره کرده است: «کاروان‌های عبوری از گروس، حامل کالاهای متنوعی از جمله ابریشم خام و فرآوری شده، ادویه‌های هندی، فلزات گرانبها، منسوجات و فرآورده‌های دامی بودند». فرخ‌سرشت (۱۳۸۰، ص. ٥٤-٦٠) به تحلیل دقیق کالاهای مبادله‌شده در بازارهای گروس پرداخته و نشان می‌دهد که این منطقه نه‌تنها محل عبور کالا، بلکه مرکز تولید و توزیع بسیاری از فرآورده‌ها بوده‌است.

۶. اتصال به جاده ابریشم

گروس از طریق مسیرهای داخلی خود به‌عنوان شریان تغذیه‌کننده جاده ابریشم در بخش غربی ایران عمل می‌کرد. حمدالله مستوفی (۱۳۵۰، ص. ۲۱۰) در تأکید این نقش نوشته است: «مسیر غرب به شرق جاده ابریشم پس از عبور از موصل و سنندج، از قروه و بیجار به زنجان و تبریز می‌پیوست و این منطقه را به پل ارتباطی بین‌النهرین و راه‌های خراسان و ری تبدیل می‌کرد».

۷. نقش در اقتصاد منطقه‌ای

اقتصاد گروس تنها به تولید و تجارت کالا محدود نبود. یاقوت حموی (۱۹۹۵، ج. ٤، ص. ۳۹۵) به نقش چندوجهی این منطقه اشاره می‌کند: «گروس نه‌تنها کانون مبادله کالا، بلکه مرکز انتقال دانش، مهارت‌های فنی و فرهنگ بود. کاروان‌ها علاوه‌بر کالا، حامل ایده‌ها، تکنولوژی‌ها و آداب و رسوم بودند». کریمی (۱٤۰۰، ص. ۸۹) نشان می‌دهد که این تبادلات فرهنگی-اقتصادی، به شکل‌گیری هویت اقتصادی-فرهنگی متمایزی در گروس انجامیده بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

۸. نظام مالی و بانکی

وجود صرافان و بانکداران محلی در گروس نشان از توسعه نظام مالی در این منطقه دارد. مصاحب (۲۰۰۵، ص. ۲۳٤) به حضور فعال صرافان یهودی و زرتشتی در بازارهای گروس اشاره می‌کند که خدمات مالی لازم برای تجارت منطقه‌ای را فراهم می‌آوردند. این نظام مالی پیشرفته، امکان انجام مبادلات پیچیده و تأمین مالی کاروان‌های بزرگ را فراهم می‌آورد و نقش مهمی در رونق تجاری منطقه ایفا می‌کرد.

کارکردهای نظامی-راهبردی گروس

۱. موقعیت دفاعی طبیعی و استحکامات

گروس به دلیل ویژگی‌های توپوگرافیک منحصر به فرد، از موقعیت دفاعی استثنایی برخوردار بود. بلاذری (۱۳۸۵، ص. ۲۳۷) به اهمیت راهبردی این منطقه در دفاع از مرزهای غربی ایران اشاره می‌کند: «گروس با دارا بودن ارتفاعات صعب‌العبور و دره‌های عمیق، دژی طبیعی در برابر تهاجمات از غرب تشکیل می‌داد. مهار این منطقه برای هر حکومت مرکزی، ضامن امنیت سرزمین‌های داخلی ایران بود».

۲. قلعه‌ها و دژهای نظامی

شبکه‌ای از قلعه‌ها و دژهای مستحکم در سراسر منطقه گروس احداث شده بود. اصطخری (۱۳۹۰، ص. ۹۹) به توصیف این استحکامات می‌پردازد: «قلعه قجه، قلعه بیجار و دژهای متعدد در ارتفاعات نقاره‌کوت و نسار، نه‌تنها امکان نظارت کامل بر مسیرهای ارتباطی را فراهم می‌آوردند، بلکه به‌عنوان پایگاه‌های عملیاتی و مراکز فرماندهی عمل می‌کردند». یاقوت حموی (۱۹۹۵، ج. ۵، ص. ۲۱۰) نیز بر استحکام و موقعیت سوق‌الجیشی این قلعه‌ها تأکید دارد: «قلعه‌های گروس بر بلندای کوه‌ها و مشرف بر گذرگاه‌های حیاتی ساخته شده بودند و امکان کنترل و نظارت بر تمامی تحرکات منطقه را فراهم می‌آوردند».

۳. سیستم دفاعی یکپارچه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که استحکامات دفاعی گروس به‌صورت یک سیستم یکپارچه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

عمل می‌کرده‌اند: «قلعه‌های منطقه گروس به گونه‌ای طراحی شده بودند که بتوانند به صورت زنجیره‌ای و هماهنگ عمل کنند. سیستم ارتباطی مبتنی‌بر آتش و دود، امکان انتقال سریع پیام بین دژهای مختلف را فراهم می‌آورد» (قادری، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳).

۴. نقش گروس در جنگ‌های ایران و روس

در دوره قاجار، گروس به‌عنوان یکی از مراکز مهم تأمین و سازماندهی نیروهای نظامی عمل می‌کرد. وقایع نگار کردستانی (۱۳۸٤، ص. ۱۰۹) به نقش فوج گروس در جنگ‌های ایران و روس اشاره می‌کند: «فوج گروس به فرماندهی نجفقلی خان و سپس پسرش محمدصادق خان گروسی، در نبردهای متعددی شرکت داشت. این نیروها که عمدتاً از جنگجویان محلی تشکیل می‌شدند، به دلیل آشنایی با منطقه، نقش مؤثری در عملیات‌های نظامی ایفا می‌کردند».

۵. پایگاه قزلباشان در دوره صفوی

گروس در دوره صفوی، یکی از پایگاه‌های مهم قزلباشان شناخته می‌شد. اسکندر بیگ (۱۳۷۷، ج. ۲، ص. ٤۱۰) به این موضوع اشاره دارد: «گروسیان به‌عنوان بخشی از قزلباشان، در کنار سایر طوایف ترک و کرد، نقش مهمی در تثبیت و حفظ حکومت صفوی داشتند. موقعیت راهبردی گروس، این منطقه را به محل استقرار دائمی نیروهای نظامی تبدیل کرده بود».

۶. سیستم امنیتی راه‌ها

تأمین امنیت راه‌های تجاری از وظایف مهم حاکمان محلی گروس بود. مستوفی (۱۳۵۰، ص. ۲٤۰) به این سیستم امنیتی اشاره می‌کند: «حاکمان گروس مسئولیت کامل امنیت مسیرهای تجاری را بر عهده داشتند. آنان نه‌تنها می‌بایست از کاروان‌ها در برابر راهزنان محافظت می‌کردند، بلکه به‌عنوان واسطه‌ای بین حکومت مرکزی و قبایل منطقه عمل می‌نمودند».

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

۷. گروس در دوره مشروطه و جنگ جهانی اول

در دوره مشروطه و جنگ جهانی اول، گروس بار دیگر اهمیت نظامی خود را نشان داد. اتحادیه (۱۳٦۲، ص. ۲۲) به این موضوع می‌پردازد: «اگرچه حوزه انتخابیه گروس حق داشتن نماینده در مجلس شورای ملی را داشت، اما به دلیل درگیری‌های داخلی و موقعیت حساس نظامی، هیچ‌گاه نتوانست نماینده‌ای به مجلس اعزام کند».

۸. ژئوپلیتیک نظامی منطقه

منابع تاریخی از استقرار دائمی نیروهای نظامی در گروس خبر می‌دهند. مارکوپولو (بی‌تا، ص. ۲٥٦) در سفرنامه خود به این موضوع اشاره می‌کند: «در بازارها و گذرگاه‌های مهم گروس، نیروهای نظامی مستقر بودند که ضمن حفظ نظم، بر اخذ عوارض و تضمین امنیت تجارت نظارت داشتند».

بررسی‌ها نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی گروس تأثیر مستقیمی بر کارکردهای نظامی آن داشته است: «ویژگی‌های طبیعی گروس از جمله ارتفاعات صعب‌العبور، گذرگاه‌های راهبردی و دشت‌های گسترده، نه‌تنها بر استقرار جمعیت، بلکه بر الگوهای نظامی و راهبردی منطقه تأثیر گذاشته است. این ویژگی‌ها باعث شده بود که گروس در طول تاریخ همواره به‌عنوان منطقه‌ای راهبردی مورد توجه قدرت‌های مختلف باشد» (فرخ‌سرشت، ۱۳۹۸، ص. ٤۷).

گروس به دلیل موقعیت جغرافیایی، نقش مهمی در پشتیبانی لجستیکی نیروهای نظامی ایفا می‌کرد. کرمانی (۱۳٦٤، ص. ۸٥) به این موضوع اشاره دارد: «مراتع غنی و منابع آبی گروس، امکان استقرار طولانی‌مدت نیروهای نظامی را فراهم می‌آورد. همچنین، موقعیت این منطقه در مسیرهای ارتباطی، انتقال سریع نیرو و تجهیزات را ممکن می‌ساخت».

گروس به‌عنوان منطقه‌ای مرزی، نقش حیاتی در دفاع از قلمرو ایران ایفا می‌کرد. شاردن (بی‌تا، ج. ٤، ص. ۳٦۳) در این زمینه می‌نویسد: «در دوره‌های مختلف تاریخی، گروس به‌عنوان خط مقدم دفاع در برابر تهاجمات از غرب عمل می‌کرد. استحکامات این منطقه بارها در برابر حملات مختلف ایستادگی کرده‌اند». این کارکردهای نظامی-

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

راهبردی، گروس را به منطقه‌ای حیاتی در سیستم دفاعی ایران تبدیل کـرده بـود کـه در کنار نقش اقتصادی و فرهنگی آن، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ایران به این منطقه بخشـیده بود.

تبادلات فرهنگی و اجتماعی گروس

موقعیت گذرگاهی گروس موجب شـد کـه ایـن منطقـه نـه‌تنها در اقتصـاد بلکـه در فرهنگ نیز نقشی کلیدی ایفا کند. مسیرهای کاروانی به‌مثابه رگ‌هـای ارتبـاطی، فضـایی برای تبادل دانش، هنر، زبان و رسوم میان منـاطق مختلـف فـراهم می‌کردنـد. بازارهـای محلی بیجار و قروه در این میان نقش دوگانه داشتند: هم مراکز مبادله کالا بودنـد و هـم کانون تعامل اجتماعی و فرهنگـی. همچنـین، زنـان بـا فعالیت‌هـایی چـون قالی‌بـافی و صنایع‌دستی، در حفظ و انتقال فرهنگ محلی سهمی بنیـادین داشـتند (یـاقوت حمـوی، ۱۹۹۵، ج. ٤، ص. ۳۹۵؛ اتحادیه، ۱۳٦۲، ص. ٦۷).

۱. گروس کانون تعاملات فرهنگی

گروس در چهارراه ارتباطی ایران قرار داشت و محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف بود. ساختار اجتماعی آن متشکل از اقوام کرد، ترک و آذری بود که هر یک سـهم مهمـی در شکل‌گیری هویت فرهنگی منطقه داشتند (سرافرازی، ۲۰۱۹، ص. ۱۳۵). ایـن تعـاملات نه‌تنها در زبان و رسوم، بلکه در معماری، صنایع‌دستی و شیوه‌های معیشت نیز انعکـاس یافته است.

۲. انتقال دانش، فنون و نقش بازارها

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مسیرهای تجاری گروس بستری برای انتقـال دانـش و فنون در حوزه کشاورزی، دامداری و صنایع‌دسـتی بـوده‌اسـت (فرخ‌سرشـت، ۱۳۹۸، ص. ۷۲). تکنیک‌های قالی‌بافی گروس، که تلفیقی از نقش‌ها و رنگ‌های مناطق مختلف بود، نمونه‌ای روشن از این تبادلات است. بازارهای محلی نیز افزون‌بر نقـش اقتصـادی، کانون‌های مهم تبادل فرهنگی محسوب می‌شـدند؛ جـایی کـه ایـده‌ها، رسـوم و باورهـا همزمان با کالاها مبادله می‌شد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

۳. مراکز آموزشی، مذهبی و نقش مذهب

مراکز آموزشی و مذهبی گروس ــ شامل مکتب‌خانه‌ها، مدارس دینی، مساجد و زیارتگاه‌ها ــ افزون‌بر کارکرد معنوی، مراکز حفظ و انتقال دانش بومی و ایجاد پیوندهای اجتماعی بودند (مریوانی، ۱۳۹۰، ص. ٤٥؛ مصاحب، ۲۰۰۵، ص. ۳٤۲). مذهب نیز نقشی بنیادین در ساختار اجتماعی ایفا می‌کرد و همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب مختلف، ویژگی بارز جامعه گروس بود (مریوانی، ۱۳۹۰، ص. ١٦٧).

۴. هنرهای سنتی و هویت فرهنگی

هنرهای سنتی، به‌ویژه قالی‌بافی، بازتابی از هویت فرهنگی گروس بودند. نقوش و طرح‌های قالی علاوه‌بر ارزش هنری، بیانگر باورها، اسطوره‌ها و محیط طبیعی منطقه‌اند و می‌توانند به‌عنوان منبعی برای مطالعه تاریخ فرهنگی منطقه به‌کار روند (سلطانی، ۱۳۷۹: ۸۸).

۵. نقش زنان در انتقال فرهنگ

زنان گروس نقش محوری در انتقال فرهنگ داشتند. فعالیت‌هایی چون صنایع‌دستی، آموزش زبان و رسوم بومی، و حفظ هنر قالی‌بافی باعث شد که آنان حاملان اصلی هویت فرهنگی منطقه باشند (اتحادیه، ۱۳٦۲، ص. ٦٧). در دوره‌های تحول سیاسی و اجتماعی، این نقش حتی پررنگ‌تر شده‌است.

۶. ادبیات شفاهی و موسیقی محلی

ادبیات شفاهی و موسیقی محلی گروس ــ شامل ترانه‌ها، داستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها ــ رسانه‌ای برای انتقال ارزش‌ها، باورها و تاریخ محلی بودند (یوسفی، ۱۳۹۵، ص. ١٥٦). این میراث فرهنگی، جهان‌بینی و نظام ارزشی مردم را بازتاب می‌دهد و بخشی از هویت فرهنگی گروس را شکل داده است.

۷. تأثیرپذیری از تحولات سیاسی و تعاملات قومی

تحولات سیاسی از دوره صفوی تا قاجار، تأثیر عمیقی بر ساختار اجتماعی و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

فرهنگی گروس داشت. تغییر حکومت‌ها اغلب با دگرگونی در زبان، هنر و روابط اجتماعی منطقه همراه بود (فریدی مجید، ۱٤۰۲، ص. ۱۲۸). همزمان، تعاملات بین‌قومی میان کردها، ترک‌ها و آذری‌ها فرهنگی ترکیبی و منحصربه‌فرد پدید آورد که در معماری، پوشش و غذاهای محلی نمایان است (کریمی، ۱٤۰۰، ص. ۹۱).

۸. فرهنگ راه و هویت منطقه‌ای

فرهنگ راه، حاصل ارتباط مداوم با مسافران و کاروانیان، موجب شکل‌گیری هویتی باز و پویا در گروس شد (قادری، ۱۳۹۰، ص. ۱٤٥). این ویژگی گروس را از دیگر مناطق همجوار متمایز ساخت و جایگاه آن را به‌عنوان کانونی فرهنگی ـ اقتصادی تثبیت کرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

نتیجه

تحلیل جایگاه تاریخی گروس در جغرافیای ایران نشان می‌دهد که این منطقه نمونه‌ای بارز از تعامل چندبعدی عوامل طبیعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در شکل‌گیری یک کانون تمدنی منطقه‌ای است. موقعیت راهبردی گروس در تقاطع محورهای اصلی ارتباطی غرب ایران، آن را به «گره‌گاه ارتباطی» حیاتی در شبکه مبادلات اقتصادی و فرهنگی کشور تبدیل کرده بود. این پژوهش نشان داد که گروس فراتر از یک گذرگاه ساده، به کریدوری چندوجهی بدل شده بود که کارکردهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی را به‌طور هم‌زمان ایفا می‌کرد. از منظر اقتصادی، دشت‌های حاصلخیز قروه و دهگلان، مراتع گسترده و منابع آبی فراوان، گروس را به یکی از مراکز تولید و توزیع کالاهای راهبردی در سطح منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای تبدیل کرد. اتصال مستقیم این منطقه به جاده ابریشم نیز نقش آن را در اقتصاد بین‌المللی غرب ایران پررنگ‌تر ساخت. در بعد نظامی–راهبردی، ویژگی‌های توپوگرافیک و وجود استحکامات متعدد، گروس را به دژی طبیعی در برابر تهدیدات خارجی بدل می‌کرد. اسناد تاریخی به‌روشنی بیانگر آن است که تسلط بر این منطقه همواره یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت‌های مرکزی بوده و نقش آن در جنگ‌های مهمی چون نبردهای ایران و روس برجسته بوده‌است. از منظر فرهنگی–اجتماعی نیز، موقعیت گذرگاهی گروس باعث شد این منطقه به محل تلاقی و تلفیق فرهنگ‌های گوناگون بدل گردد. انعکاس این تنوع در معماری، زبان، آداب و رسوم، صنایع‌دستی (مانند قالی بیجار) و حتی ساختار اجتماعی قابل مشاهده است. نقش زنان در انتقال میراث فرهنگی و توسعه نظام آموزشی محلی، وجهی متمایز به هویت فرهنگی منطقه بخشیده است. نوآوری این پژوهش در آن است که با رویکردی یکپارچه، ابعاد اقتصادی، نظامی و فرهنگی گروس را به‌طور هم‌زمان بررسی کرده و آن را به‌عنوان یک کریدور ارتباطی چندبعدی در تاریخ ایران بازشناسی می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که مناطق ظاهراً حاشیه‌ای می‌توانند در تحولات کلان تاریخ ایران نقشی محوری ایفا کنند و از این منظر، توجه به مناطق میانی و گذرگاهی، برای دستیابی به تصویری جامع‌تر از تاریخ تمدنی ایران ضروری است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم (۱۳۶۶ش). صورة الارض. ترجمه جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن احمد (۱۸۸۹). المسالک و الممالک. تهران: میراث ملل.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد (۱۸۸۵). مختصر کتاب البلدان. لیدن: انتشارات مطبعه بریل.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۲ش). رضاقلی خان نظام السلطنه. تهران: تاریخ ایران.
- اردلان، شیرین (۱۳۴۰ش). خاندان کرد اردلان. تهران: امیرکبیر.
- اسکندر بیگ منشی (۱۳۷۷ش). تاریخ عالم‌آرای عباسی. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۱۴ش). مرآت البلدان. تهران: دانشگاه تهران.
- افضل الملک، غلامحسین (۱۲۹۲). افضل التواریخ. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۰ش). مسالک و ممالک. تهران: علمی و فرهنگی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۸۵ش). فتوح البلدان. بیروت: دار مکتبة الهلال.
- تبریزی، محمدحسین (۱۳۳۱ش). تاریخ تبریز. تبریز: کتابفروشی تهران.
- جهانگیر میرزا (۱۳۶۳ش). تاریخ نو. تهران: علمی.
- مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر (۱۳۵۰ش). نزهه القلوب. تهران: دنیای کتاب.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۷۷ش). مرآت الوقایع مظفری. تهران: میراث مکتوب.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۰۳ش). ایران در جنگ بزرگ. تهران: علم.
- سرافرازی، عباس (۲۰۱۹). «تحولات اجتماعی منطقه گروس». مطالعات ایرانی، ۱۲(۳)، ص۱۲۰-۱۴۵.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۹ الف). تاریخ کردستان. سنندج: علمی.
- _____ (۱۳۷۹ ب). جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان. تهران: سها.
- شاردن، ژان (بی‌تا). سفرنامه شاردن. ترجمه محمدعلی اسلامی. تهران: توس.
- فرخ‌سرشت، علی (۱۳۹۸). جغرافیای تاریخی گروس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- _____ (۱۳۸۰). بازارهای تاریخی غرب ایران. تهران: امیرکبیر.
- فریدی مجید، فاطمه (۱۴۰۲). برآمدن و برافتادن گروس در ساختار تقسیمات کشوری ایران. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۱۱. شماره۲. ص۱۲۳-۱۳۶.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]

– قادری، فرید (۱۳۹۰). نقش راه‌ها در تحولات غرب ایران. تهران: فرهنگ.
– کرمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۴). سلجوقیان و غز در کرمان. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: نوین.
– کریمی، اصغر (۱۴۰۰). توسعه فرهنگی غرب ایران. تهران: اساطیر.
– مارکوپولو (بی‌تا). سفرنامه مارکوپولو. تهران: ققنوس.
– مردوخی، بابا (۱۳۰۲). تاریخ مشاهیر کرد. تهران: سروش.
– مریوانی، محمد (۱۳۹۰). گروس در گذرگاه تاریخ. تهران: فقه.
– مصاحب، غلامحسین (۲۰۰۵). دایرةالمعارف فارسی. تهران: امیرکبیر.
– مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱ش). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: علمی و فرهنگی.
– وقایع نگار کردستانی، علی اکبر (۱۳۸٤ش). جغرافیا و تاریخ کردستان (حدیقه ناصریه و مرآت الظفر). به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.
– هادی‌زاده، منصور (۱۳۹۰). جغرافیای تاریخی کردستان. تهران: نگاه معاصر.
– یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). معجم البلدان. بیروت: دار صادر.
– یوسفی، کاظم (۱۳۹۵). فرهنگ مردم و هویت منطقه‌ای گروس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOI: 10.61882/islamhistory.1.54.9]